

اثر هشدار در رفع ضمان از مسئولین تبعی

| اصغر عربیان | استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده حقوق و الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

| اپریز اکبری * | دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشکده حقوق و الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

عمده مباحث مطروحه از ناحیه پژوهشگران در قاعدة تحذیر (هشدار) پیرامون عامل اصلی زیان است. هشداردهنده به عنوان عامل زیان پاسخگوی اصلی جبران خسارت است و با استفاده به قاعدة هشدار با جمع شرایط از مسئولیت مبرا می‌شود؛ ولی اشخاصی مانند عاقله، بیمه و بیت‌المال که به تبع عامل اصلی، مسئول تلقی می‌شوند، آیا با قاعدة هشدار از ضمان مبرا می‌شوند؟ در پرسمان تأثیر قاعدة مذکور و میزان و کیفیت آن در رفع ضمان از مسئولین تبعی پاسخی داده نشده است. قاعدة هشدار به عنوان یکی از قواعد معتبر فقهی، برگرفته از یکی از داوری‌های علی (ع) است که آن حضرت فرمودند: «قد أَعْذَرَ مَنْ حَذَرَ» یعنی: کسی که هشدار دهد معذور است. با استفاده از ملاک رفع مسئولیت، که در قوانین مختلف نیز جلوه‌گر است، درباره مسئولین تبعی مانند عاقله، بیمه و بیت‌المال نیز اثرگذار است. با این وصف در صورت تحقق شرایط و در نتیجه صدق قاعدة هشدار، افزون بر رفع مسئولیت از عامل زیان، عاقله و بیت‌المال نیز تکلیفی به پرداخت خسارت ندارند ولی رفع مسئولیت از عامل اصلی زیان منافی با جبران خسارت زیان‌دیده از طریق مراجعه به بیمه نیست. واژگان کلیدی: قاعدة تحذیر، هشدار، عاقله، بیمه، بیت‌المال

مقدمه

فقها درباره معافیت و ارتقای مسئولیت و عوامل موجّه فعل زیان‌بار، در کنار عواملی مانند اضطرار، احسان، دفاع مشروع و اذن، به موضوع هشدار (تحذیر) پرداخته‌اند و هشدار را به عنوان یکی از مُسقّطات ضممان از مسئول اصلی دانستند به‌طوری‌که بر پایه قاعدة هشدار چنانچه کسی پیش از هرگونه عمل مشروع خطرآفرین، یا پیش از وقوع ضرر، خطرات احتمالی را بهنگام و با ابزارهای متناسب و متعارف، به دیگران در معرض خطر، گوشزد نماید ولی مخاطب علی‌رغم آگاهی و اطلاع از اخطار یادشده به آن توجهی نکند و در این رهگذر متحمل زیان شود، هشداردهنده به‌طور کامل از مسئولیت مبرأ است. این قاعدة در گسترهٔ فقه و حقوق یک قاعدة کاربردی شناخته شده و مصاديق فراوانی را شامل می‌شود به‌طوری‌که در قوانین و مقررات از سوی قانون‌گذار بدان توجه شده است. کارایی این قاعدة نسبت به هشداردهنده و مخاطب هشدار و اشخاص ثالث و به‌گونه‌کلی در انواع مسئولیت‌ها اعم از مسئولیت شخصی و مسئولیت فعل دیگری و مسئولیت اشیاء و مسئولین تبعی درخور بررسی است.

هشدار درباره هشداردهنده این اثر را داراست که سبب رفع کامل مسئولیت از وی یعنی مسقط ضممان هشداردهنده است و مسئول اصلی می‌تواند از قاعدة هشدار به عنوان یک دفاع کامل در رفع مسئولیت از خود استفاده نماید. (ابن براج، ۲/۱۴۰۶؛ شهید ثانی، ۱۵/۱۴۱۳؛ اردبیلی، ۱۴/۱۴۰۳؛ نجفی، ۴۳/۱۴۰۴؛ ۶۸/۴۳) در بسیاری از مواقع وطبق اجازه قانون اشخاصی هستند که به‌تبع مسئول اصلی واجد مسئولیت می‌باشند؛ اکنون پرسش اساسی این است که قاعدة هشدار چه کارایی‌ای در رابطه با مسئولین تبعی مانند عاقله، بیمه و بیت‌المال دارد؟ با فرض وجود تأثیر، نحوه و کیفیت و میزان تأثیر آن در رفع ضممان چیست؟ و مسئولین تبعی یادشده تا چه حدی در جهت رفع مسئولیت از خود می‌توانند به قاعدة هشدار استناد نمایند؟

در راستای پاسخ به سوالات فوق، در بادی امر بایسته است به معنی هشدار و ادلہ و مستندات و شرایط تحقق قاعدة هشدار اشاره شود و سپس به بازگفت کارایی قاعدة در برابر عامل اصلی فعل زیان‌بار گذری داشته و در نهایت با بر Sherman مسئولین تبعی و تعیین گستره این‌گونه مسئولیت‌ها، تأثیر قاعدة هشدار و میزان و چگونگی تأثیر آن نسبت به هریک از مسئولین سه‌گانه تبعی (بیت‌المال، عاقله، بیمه) را مورد کنکاش و واکاوی قرار می‌دهیم.

۱. معنی لغوی و اصطلاحی

واژه هشدار در زبان پارسی، به معنی «هش‌داشتن» و خبرکردن، متوجه ساختن، ملتافت بودن، مراقب و مواطن بودن آمده (دهخدا، ۱۳۷۷) و در زبان تازی معادل واژه «تحذیر»، به معنای ترساندن (زبیدی، ۶/۱۴۱۴، ۲۵۹)، جلوگیری کردن از چیز مضر (طريحي، ۲/۱۴۱۶: ۲۶) آمده و

در بیشتر کتب لغت به پرهیز دادن و بیدار نمودن (ابن فارس، ۲/ ۱۴۰۱؛ ۳۷: ۲/ ۱۴۱۰؛ ۶۲۶؛ ابن منظور، ۴/ ۱۴۱۴؛ ۱۷۶؛ قرشی، ۲/ ۱۳۷۱؛ ۱۱۳) معنی شده است. واژه هشدار از دیدگاه حقوق‌دانان، از معنای لغوی آن دور نیفتاده و در مفهوم آگاه‌سازی کسی که در معرض زیان است از سوی عامل زیان نسبت به زیان محتمل به کار رفته است. همچنین گفته شده: «از پیش گفتن خطر ذاتی در یک فعالیت مشخص» (جامپیون جونیوز، ۱۳۸۸: ۲۴۲). قانون‌گذار ایران نیز هرچند به تعریف هشدار نپرداخته؛ اما واژه هشدار و مصاديق آن، در پاره‌ای قوانین مانند تبصره ۲ ماده ۵۰۸ تعیین شده که بیانگر توجه مقتن به عنصر هشدار است.

۲. ادله و مبانی قاعدة هشدار

یکی از مستندات حجت هشدار از ناحیه فقهای امامیه، روایت صحیح ابوالصلاح کنانی از امام صادق علیه السلام در مورد یکی از قضاوتهای علی (ع) است؛ آنجا که کودکانی در حال بازی با گردو (فلاخن) بودند و یکی از آنان گردوبی پرتاپ نمود و گردوبه دندان دیگری برخورد نمود و دندان او را شکست و مراجعت نزد امام علی (ع) بردنده و کودک پرتاپ‌کننده گردو، اقامه بینه نمود که قبل از پرتاپ گردو به سوی هم بازی اش، هشدار داده است. حضرت او را از قصاص تبرئه کرد و فرمود: آنکسی که هشدار می‌دهد معدور است^۱ (حر عاملی، ۲۹/ ۱۴۰۹: ۶۹). به علاوه روایت فوق توسط محمدون ثلاثة (کلینی، ۱۴/ ۱۴۰۷: ۳۳۱؛ طوسی، ۱۰/ ۱۴۰۷: ۲۰۷؛ ابن‌بابویه، ۴/ ۱۴۱۳: ۱۰۲) و علمای حدیثی دیگری (شریف الرضی، ۱۴۰۶: ۸۶؛ فیض کاشانی، ۱۶/ ۱۴۰۶: ۸۲۱؛ مجلسی، ۱۶/ ۱۴۰۶: ۴۸۱؛ نوری، ۱۸/ ۱۴۰۸: ۲۳۵؛ بروجردی، ۳۱/ ۱۳۸۶: ۴۸۸) نقل شده و شهرت عملی نیز به عنوان یکی از منابع در حجت هشدار ذکر گردیده است به طوری که فقهای مشهوری به روایت امام صادق (ع) در جهت صدور حکم و افتاء استناد نموده‌اند. اگرچه درخصوص حجت هشدار به عنوان رافع مسئولیت، در میان فقهاء اجماع وجود ندارد و لکن صاحب جواهر می‌فرماید: مخالفی در این حکم (رفع مسئولیت هشداردهنده) ندیده‌ام (نجفی، ۴۳/ ۱۴۰۴: ۶۹). علاوه بر این روایت مشهور، مهم‌ترین و اصلی ترین مستند و مدرک برای اثبات حجت هشدار در انتفاع مسئولیت، بنای عقلا و عرف بیان شده است (بنجوردی، ۱/ ۱۳۸۷: ۱۲۶؛ محقق داماد، ۲/ ۱۴۰۶: ۲۳۹). بعضی از فقهاء حقوق‌دانان، قاعدة اقدام و تسبیب (سبب اقوی از مباشر) را نیز به عنوان ادله و مستندات قاعدة مذکور بیان داشته‌اند. مفاد قاعدة اقدام این است که هر کس به ضرر خود اقدامی نماید، کسی به نفع

۱. «كَانَ صِيَّانٌ فِي زَمَانٍ عَلَى عِلْمٍ يُلْعَبُونَ بِأَحْطَارٍ لَّهُمْ - فَرَمَى أَحَدُهُمْ بِنَحْرِهِ فَلَقَّ رَبَاعِيَةَ صَاحِبِهِ - فَرُفِعَ ذَلِكَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَفَاقَمَ الرَّاجِيِّ الْبَيْنَةَ - إِيَّاهُ قَالَ حَذَّارٌ فَدَرَأَ عَنْهُ الْقِصَاصَ - ثُمَّ قَالَ قَدْ أَعْذَرَ مَنْ حَذَّرَ»

او مسئولیتی ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴: ۷۰). صاحب عناوین قاعدة اقدام را از جمله مسقطات ضمانت دانسته و در تعریف اقدام می‌گوید: «أن المالك إذا أقدم على إسقاط احترام ماله و بنى على عدم العوضية سقط ضمانه» (ميرفتح، ۱۴۱۷: ۴۸۷). وقتی خود مالک اقدام به ضرر بر علیه خودش نماید دیگر دلیلی ندارد که شخص دیگر به خاطر احترام مال او یا رفع ضرر از او ضامن محسوب شود. (لطفى، ۱۳۹۲: ۱۸۸) یکی از موارد استناد فقهاء به قاعدة اقدام موردى است که اقدام شخص بر ضرر خود اعم از مال یا جان یا اعضا و جوارح خود با وجود هشدار و رسیدن هشدار به او و امکان فرار وی عنوان نموده‌اند (بجنوردی، ۱۳۸۷: ۸۵).

قطع رابطه استناد عرفی را می‌توان به عنوان مبنای قاعدة هشدار مطرح کرد چراکه دامنه آن از نظر گسترده‌گی، وسیع‌تر است و با دیگر نظرات ارائه‌شده در مبانی حجتی هشدار مانند قاعدة اقدام، تسبیب و تقصیر هم‌خوانی دارد. در قاعدة اقدام که یکی از علل مسقط ضمان به شمار می‌رود، علت سقوط ضمان، اقدام زیان‌دیده به ضرر خویش است؛ یعنی کسی که احترام مال خودش را نداشته باشد و برخلاف قاعدة احترام عمل نموده و علیه خودش اقدام نماید، به‌راستی قطع رابطه سببیت میان زیان و عامل زیان صورت گرفته است و عرف، زیان را مستند به مخاطب هشدار می‌داند. در حقیقت در این موارد، زیان مستند به خود زیان‌دیده است و بدیهی است، در چنین موردى امکان رجوع به عامل زیان برای جبران خسارت وجود ندارد. در اقوی بودن سبب از مباشر، سبب باید به‌گونه‌ای باشد که عمل زیان‌بار تنها مستند به سبب باشد تا توانایی رفع ضمان از مباشر را داشته باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۷)؛ و با نگرش به اینکه تقصیر مبنای مسئولیت نبود بلکه کاربرد تقصیر در جهت احراز استناد عرفی فعل زیان‌بار و عامل زیان می‌باشد؛ لذا قطع رابطه استناد عرفی می‌تواند به عنوان مهم‌ترین مبنای رفع مسئولیت عامل زیان در قاعدة هشدار تلقی شود.

۳. شرایط هشدار رافع مسئولیت

برای اثربخشی هشدار شرایطی لازم است و این شرایط در قابلیت اعمال قاعدة تحذیر مدخلیت دارد؛ به‌طوری که اگر شرایط هشدار وجود نداشته باشد، هشداردهنده از مسئولیت مبرا نمی‌شود. از این‌روی، بررسی این شرایط حائز اهمیت است. برخی از این شرایط ناظر به هشدار و فعل موضوع هشدار و برخی ناظر به هشداردهنده و نیز مخاطب هشدار است. در اینجا هرکدام از این شرایط، به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. تناسب هشدار با خطر

گفته شده در ضمان رامی، چنانچه هشدار به‌گونه‌ای داده شود که مخاطب هشدار آن را نشنود، مسئولیت از هشداردهنده رفع نمی‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۴۲). هشدار مؤثر، هشداری است

که صریح و روشن، متعارف و قابل فهم برای مخاطبان باشد. (جنوردی، ۱۳۸۷: ۱۲۷) برخی از فقهاء گونه‌های هشدار را به: قولی، کتبی و عملی بیان تقسیم کرده‌اند (سبزواری ۱۴۱۳: ۲۹). البته به نظر می‌رسد؛ اقسام مذکور حصری نیست. بلکه با توجه به نوع خطر و تناسب هشدار با خطر احتمالی و موقعیت زمانی و مکانی و وضعیت مخاطب هشدار، انواع دیگری را می‌توان احصا کرد که با دیگر حواس انسان مانند لامسه و بویایی و چشایی در ارتباط هستند. ازین‌رو گفته شده؛ ضابطه در تشخیص هشدار مؤثر، عرف است (مقدادی، ۱۳۹۰: ۱۷۸). قانون‌گذار نیز بر رعایت شرط «تناسب هشدار با خطر» تأکید داشته و عدم مسئولیت عامل ظاهری زیان را منوط به علم و آگاهی مجنی عليه به خطر و عدم توجه به علایم هشداردهنده نموده است (مادتین ۵۰۷ و تبصره ۲ ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

۳-۲. عمدی نبودن عمل زیان‌بار

عمل هشداردهنده، باید قانونی و مشروع باشد و هشدار در اعمال و رفتارهای نامشروع و غیرقانونی نمی‌تواند رافع مسئولیت قلمداد شود (مقدادی، ۱۳۹۳: ۱۳۹؛ صباح مشهدی، ۱۳۸۵: ۱۸). اگر اصل عمل هشداردهنده، غیرقانونی باشد، عامل زیان نمی‌تواند به استناد هشدار از مسئولیت مبرا شود و در واقع، عمل زیان‌بار هشداردهنده نباید از روی عمد و قصد و برای ضرر زدن باشد. «و لو ثبت آنه قال: حذار، لم يضمن إن لم يقصد» (فضل‌الهندي، ۱۴۱۶: ۱۱؛ ۲۵۲). به نظر می‌رسد؛ غیرقانونی و نامشروع بودن اصل عمل، در صورتی مانع از معافیت هشداردهنده می‌شود که در وقوع حادثه به عنوان علت اصلی قلمداد شود.

۳-۳. تقدم هشدار بر عمل زیان‌بار

در بیشتر مواقع، بین عمل زیان‌بار و ورود ضرر فاصله زمانی وجود دارد. سوالی که می‌توان مطرح کرد این است که آیا شرط تقدم هشدار ناظر به عمل زیان‌بار است یا ضرر؟ مستفاد از نظر بعضی از فقهاء این است که ملاک، هشدار پیش از وقوع ضرر است یعنی تقدم هشدار بر عمل زیان‌بار: «لا ضمان على من حذر و لا دية و لا قيمة ولا أرش لما يهلك بعد تحذيره» (حلبي، ۱۴۰۳: ۴۰۳). به نظر می‌رسد در مسئولیت مدنی آنچه مهم و اساسی است ورود زیان به غیر است که باید جبران شود. فعل زیان‌بار مادامی که به زیان منتهی نشود، مسئولیت آور نیست.

۴-۳. وصول هشدار به مخاطب (امکان درک خطر)

اطلاع هشدارشونده از مفاد هشدار یکی از شرایط لازم برای رفع مسئولیت عامل زیان است. ازین‌رو گفته شده رفع ضمان طبق قاعدة هشدار یک اصل است و لکن شرط آن، شنیدن (اطلاع) زیان دیده می‌باشد (اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۵؛ ۵۳۴). فقهاء دیگری نیز به

شرط مذکور اشاره نموده‌اند (فاضل هندی، ۱۱/۱۴۱۶؛ ۲۵۲؛ شهیدثانی، ۱۰/۱۴۱۰؛ ۱۲۰، اردبیلی، ۱۴/۱۴۰۳؛ ۲۴۳؛ حائری، ۱۶/۱۴۱۸؛ ۲۷۸؛ نجفی، ۴۳/۱۴۰۴؛ ۶۸؛ کاشانی، ۱۴۰۸؛ ۷۱). البته قید «شنیدن» موضوعیت ندارد. به همین دلیل بعضی از فقهاء پس از بیان اقسام هشدار (شنیداری، دیداری، عملی) صراحتاً به آگاهی زیان‌دیده اشاره نمودند (سبزواری، ۲۹/۱۴۱۳؛ ۱۳۷).

۳-۵. امکان ترک خطر

شهید ثانی در کتاب شرح لمعه به شرط مذکور این چنین اشاره دارد: «ولو لم يقل: حذار، أو قالها في وقت لا يمكن المرمى من الحذر، أو لم يسمع فالدية على عاقلة الرامي» (شهید ثانی، ۱۰/۱۴۱۰؛ به این معنی که اگر عامل زیان هشدار ندهد و هشدار به موقع نباشد و برای مخاطب هشدار امکان اجتناب از خطر وجود نداشته باشد و یا زیان‌دیده هشدار را نشنیده باشد، مسئولیت عامل زیان باقی است. برخی از فقهاء نیز، «تمکن از عدول» را به عنوان یکی از شروط معافیت مسئولیت عامل زیان در قاعدة هشدار بر شمرده‌اند (اردبیلی، ۱۴/۱۴۰۳؛ ۲۴۳؛ حائری، ۱۶/۱۴۱۸؛ ۲۷۸؛ کاشف الغطا، ۳/۱۴۲۳؛ ۸۵). اگر شرط مذکور نباشد در واقع فایده‌ای بر هشدار عامل زیان مترتب نمی‌شود. مخاطب هشدار موقعي می‌تواند از خطر اجتناب نماید که امکان فرار باشد و اگر امکان ترک خطر نباشد، اساساً هشدار بی‌فایده تلقی می‌شود و نمی‌توان چنین هشداری را در رفع مسئولیت عامل زیان مؤثر دانست.

۴. اثر هشدار نسبت به مسئول اصلی

اگر عامل زیان (هشداردهنده) پیش از وقوع حادثه، با رعایت شرایط لازمه و به طور مؤثر، احتمال وقوع خطر را گوشزد نماید و مخاطب هشدار به رغم وصول و آگاهی از هشدار و امکان گریز از خطر، توجهی به هشدار ننموده و یا با پذیرش خطر، متتحمل زیان شود، عامل زیان مبرا از مسئولیت مدنی است و در واقع عمل زیان‌دیده (ترک فعل) رابطه سببیت میان عمل عامل زیان و ضرر را قطع می‌کند و علت و سبب منحصر وقوع حادثه محسوب می‌شود. به سخن دیگر، فعل زیان‌دیده (عدم توجه به هشدار) یک سبب است که مؤثر در انقطاع رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و خسارت وارد است. سبب مذکور به اندازه‌ای قوی است که موجب قطع رابطه سببیت میان فعل خوانده و خسارت است و در نتیجه خوانده را به طور کامل از مسئولیت معاف می‌نماید.

در رفع کامل مسئولیت در نتیجه قاعدة هشدار میان فقهاء امامیه اختلافی وجود ندارد که در مباحث پیشین دلایل و مستندات آن بیان شد. حال در فرضی که عامل ظاهری زیان به صورت قراردادی و یا خارج از قرارداد وظیفه آگاهی دادن را دارد، به آن عمل نکند، مسئولیت وی چگونه توجیه می‌شود. آیا به استناد قاعدة هشدار مسئول است یا خیر؟ در قضیه حکمیت حضرت علی (ع) پرتاب‌کننده گردو

در هنگام بازی با ارائه بینه ثابت کرد که به وظیفه خود عمل نموده و هشدار لازم را داده است و لکن رهگذر بدون التفات به هشدار او از موضع خطر اجتناب نکرده است، ازین‌رو در متن روایت به فرض مورد اشاره یعنی عدم هشداردهی عامل زیان تصریح نشده است. اگرچه بتوان با مفهوم‌گیری از روایت قائل شد که اگر پرتاب‌کننده ثابت نمی‌کرد که هشدار داده است محکوم به جبران خسارت می‌شد، اما بحث این است که در فرض مفهوم‌گیری از روایت مذکور و محکومیت عامل زیان، آیا این محکومیت به استناد قاعدة هشدار بوده یا خیر؟ به نظر می‌رسد قاعدة عام فقهی و حقوقی این است که هر کس مسئول عمل زیان‌بار خود است و هیچ خسارتی نباید جبران نشده باقی بماند و رابطه سبیت میان عامل زیان (پرتاب‌کننده‌گردو) و خسارت وجود دارد و مسئولیت عامل زیان مستصحب است و استناد عامل زیان به قاعده می‌تواند یک دفاع کامل در جهت اسقاط ضمان محسوب شود.

برخلاف دیدگاه برخی از نویسنده‌گان که قاعدة هشدار را هم در اثبات ضمان و هم در انتقام ضمان مؤثر می‌دانند باید گفت: بر اساس قواعدی مانند؛ اتلاف و تسبیب، اصل بر مسئولیت عامل زیان است و وی به عنوان خوانده دعوی که مسئول ظاهری جبران خسارت زیان دیده است، می‌تواند قاعدة هشدار را به عنوان عامل معافیت از مسئولیت، مورد استفاده و استناد قرار دهد. اگر ثابت نماید که هشدار لازم را داده است در این صورت با وجود سایر شرایط، از مسئولیت به‌طور کامل معاف می‌شود. به تعبیر دیگر همان طوری که توضیح داده شد، قاعدة هشدار در رفع مسئولیت کارآبوده و در صورت هشداردادن با رعایت شرایط آن، مسئولیت از عامل زیان برداشته می‌شود. اگر هشدار همراه با شرایط آن (مانند امکان درک خطر و امکان ترک خطر) داده نشود، در آن صورت مسئولیت عامل زیان به قوت خود باقی است و عدم هشداردهی و یا عدم رعایت شرایط هشدار نمی‌تواند موجب تحدید مسئولیت عامل زیان به استناد قاعدة هشدار باشد. شهید ثانی می‌فرماید: «إنما ينتفي الضمان عن الرامي مع التحذير حيث يسمع المرمى ويمكنه الحذر، فلو لم يسمع أو لم يمكنه فالدية على عاقلة الرامي، لأنه خطأ محض» (شهید ثانی: ۱۵/۱۴۱۳: ۳۴۱). عدم هشداردهی که نوعی تقصیر به حساب می‌آید ممکن است مسئولیت‌آور باشد و معمولاً در باب مسئولیت، نقص در هشداردهی عاملی در جهت اثبات تقصیر تلقی شده، اما در اینجا مبنای مسئولیت، قاعدة هشدار نیست بلکه قواعد دیگر مسئولیت می‌باشد. به سخن دیگر، در برابر موجبات ضمان، افعال و اقوالی نیز ساقط‌کننده ضمان محسوب می‌شوند (عمید زنجانی، ۹۱: ۱۳۹۱). قاعدة هشدار به عنوان یکی از مسقطات ضمان به کار گرفته می‌شود؛ بنابراین در تأثیر قاعدة هشدار نسبت به هشداردهنده می‌توان گفت که اگر عامل زیان با رعایت کلیه شرایط پیش‌گفته، هشدار لازم و بایسته را بهنگام بدهد از مسئولیت به‌طور کلی مبرا می‌شود و قاعدة هشدار برای چنین خوانده‌ای مُسقِط ضمان و یک دفاع

کامل محسوب می‌شود ولی اگر عامل زیان به وظیفه هشداردهی عمل ننماید در این صورت مسئولیت وی بنا به دلایل و موجبات ضمان کماکان باقی است و عدم هشداردهی در واقع می‌تواند به عنوان تقصیر مُثبت رابطه سبیت بین عمل عامل زیان و ضرر باشد که در فرض اخیر مسئولیت عامل زیان بر اساس اصل ضمان می‌باشد و قاعدة هشدار به عنوان مسقط ضمان عمل نمی‌کند.

۴-۴. اصل بر مسئولیت عامل زیان

بحثی که می‌توان مطرح کرد این است که بار اثبات دلیل با عامل زیان است یا زیان دیده؟ در فرض مذکور (وقوع حادثه وجود رابطه سبیت بین عامل زیان و خسارت) این عامل زیان است که باید برای معافیت از مسئولیت ارائه دلیل نماید. همان طوری که در روایت امام صادق (ع) به آن اشاره شد که پرتاب‌کننده گردونزد علی (ع) بینه آورد که نسبت به خطر احتمالی، هشدار لازم را داده است و با اثبات آن با استناد به قاعدة هشدار از مسئولیت معاف شده است. لذا گفته شده؛ بار اثبات دلیل برای عدم مسئولیت با عامل ظاهری زیان است؛ به سخن دیگر، اصل، عدم هشدار است و مدعی باید برای اثبات اینکه هشدار لازم را داده، دلیل ارائه نماید و اگر نتواند بینه اقامه کند قول زیان دیده با سوگند معتبر است (حسینی شیرازی، ۹۰/۱۴۰۷: ۱۱۰).

۵. اثر هشدار نسبت به مسئولین تبعی

اصل شخصی بودن مسئولیت بدین معناست که اگر کسی به دیگری زیان بزند در درجه اول خودش باید عهده‌دار جبران و تدارک خسارت باشد و در صورتی که هشدار داده باشد نسبت به مسئول اصلی (هشداردهنده) مؤثر بوده و موجب رفع مسئولیت وی است. مع الوصف اصل مذکور دارای استثنائاتی است و یکی از این استثنایات راجع به مسئولین تبعی است. کسانی که به‌تبع مسئول اصلی در نظام حقوقی مسئول تلقی می‌شوند و جایگزین مسئول اصلی متکفل جبران ضرر زیان دیده به حساب می‌آیند. از این مسئولین تبعی، عاقله، بیمه و بیت‌المال هستند که در ادامه اثر هشدار در آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۵. عاقله

عاقله در اصطلاح و طبق قول مشهور فقهاء به خویشان ذکور نسبی گفته می‌شود که در جنایات مبتنی بر خطا از سوی جانی، مسئولیت جبران دیه بر دوش آن‌هاست و باید بالغ و عاقل باشند (فیض، ۲/۱۳۶۸: ۴۶۰). در ماده ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به‌ترتیب طبقات ارث است. همه کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث برند به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می‌باشند».

قانون‌گذار ایران نهاد عاقله را پذیرفته و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۳۷۵، ۴۳۵، ۴۵۳، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۸، ۴۶۹، ۵۲۷، ۵۵۶، ۴۷۰ به بیان احکام مربوط به آن پرداخته است. در حقوق کشورهای پیشرفت‌نمای قواعدی وجود دارد که با نهاد عاقله قابل تطبیق است. در فقه اسلامی با توجه به جامعیت آن، قوهای متمادی‌ای است که نهادهایی چون مسئولیت عاقله، مسئولیت خویشاوندان و مسئولیت بیت‌المال پیش‌بینی شده و این در حالی است که اخیراً در حقوق فرانسه، مسئولیت مدنی جمعی شده و نهادهایی برای جبران خسارت ایجاد گردیده و مسئولیت ناشی از عمل غیر، تبدیل به یکی از قواعد مسئولیت مدنی شده است.

قانون‌گذار ایران به پیروی از فقه امامیه، در باب ضمان عاقله، مسئولیت مدنی را بر اشخاصی تحمل نموده که دخالتی در ایجاد حادثه نداشته و طبق عمومات به علت عدم امکان انتساب به آن‌ها، باید مسئول تلقی شوند. ضمان عاقله شامل جبران خسارت ناشی از اتلاف اموال دیگران نمی‌شود بلکه صرفاً درباره خسارت بدنی و جانی (دیه) است. در ماده ۴۶۵ قانون مجازات اسلامی آمده است: «عاقله، تنها مکلف به پرداخت دیه خطای محض است، لیکن ضامن اتلاف مالی که به‌طور خطایی تلف شده است نمی‌باشد». برخی در توجیه ضمان عاقله، آن را شبیه به بیمه و گونه خاصی از مصادیق بیمه متقابل عنوان کرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۷۱: ۶۰). در مجتمع حقوقی نیز به دلیل امکان طرح عذر ناتوانی در پرداخت خسارت از سوی عاقله و تحمل خسارت به بیت‌المال و تمسک به این حربه از سوی افراد جامعه برای ارتکاب جرم و شانه خالی کردن از بار مسئولیت، چنین طرح شده که بیمه جنایات خطای محض می‌تواند به منزله منع جبران خسارت در نظر گرفته شود که این امر باعث حمایت زیان‌دیده و عامل زیان خطای محض است.

در اینکه ضمان عاقله حکمی وضعی است یا تکلیفی، بین فقهاء اختلاف است. ثمرة اختلاف این می‌شود که اگر ضمان عاقله وضعی باشد در این صورت عاقله مسئول اصلی جبران زیان محسوب می‌شود و عامل زیان (جانی) هیچ مسئولیتی ندارد؛ اما اگر ضمان عاقله را تکلیفی بدانیم در این صورت مسئول و مدیون اصلی شخص عامل زیان است و عاقله از طرف ایشان نسبت به تدارک زیان اقدام می‌نماید و امکان مراجعته به مسئول اصلی نیز ممکن می‌شود. طبق حکم عقل و عرف عقلاء، هر کسی مسئول اعمال خودش است و هیچ‌کس در مقابل جنایت دیگری مسئولیتی ندارد. مشهور فقهاء با توجه به آیه «وَ لَا تَنْزِرُوا زَرَّةً وَ زُرْ أُخْرَى» (فاطر: ۱۸) عاقله را مدیون اصلی نمی‌دانند اما حکم عاقله را تکلیفی می‌شمارند. فقهاء در ضمان رامی به علت اینکه عمد و قصدی درمیان نیست و به علت خطی بودن عمل زیان‌بار، ضمان را بر عهده عاقله می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳/۶۸) یا با این عبارت که در جنایات خطئی، مسئول پرداخت دیه عاقله می‌باشد (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۹/۱۱۷).

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضمان عاقله را حکم تکلیفی دانسته و در ماده ۴۷۰ آن آمده است: «در صورتی که مرتكب، دارای عاقله نباشد، یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر پردازد، دیه توسط مرتكب و در صورت عدم تمکن از بیت المال پرداخت می‌شود. در این مورد فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست». لذا گفته شده ضمان عاقله حکم تکلیفی محض است و کسی که ضمان به عهده اوست خود جانی است نه غیر او، نهایت اینکه این تکلیف بر عاقله است که آن را از قبل جانی پردازد (گرجی، ۱۳۶۶: ۸۷).

فقهای زیادی در بحث ضمان رامی به این موضوع اشاره نموده‌اند که اگر کسی بین تیرانداز و هدف عبور کند و مورد اصابت قرار گیرد عاقله تیرانداز ضامن است (محقق حلی، ۴/۱۴۰۸؛ علامه حلی، ۲/۱۴۰۳؛ ۲۲۴؛ فخرالمحققین، ۴/۱۳۸۷) و علت ضمان عاقله این است که جنایت ارتکابی خطای محض می‌باشد اما اگر تیرانداز هشدار بدهد و مخاطب هشدار علی‌رغم شنیدن و تمکن از عدول، اجتناب از خطر نکند در این صورت عاقله نیز ضامن نیست (اردبیلی، ۱۴/۱۴۰۳: ۲۴۴). از سخن فوق می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه ضمان عاقله بنا به مشهور فقه‌ها یک حکم تکلیفی است ولی نمی‌تواند رابطه بین عامل زیان و عاقله را منتفی کند با این توضیح که در ابتدا مسئولیت عامل زیان باید تحقیق یابد و سپس مسئولیت عاقله مشخص شود. وقتی که عامل زیان با هشدار دادن مسئول تلقی نمی‌شود در واقع مثل این است که هیچ جنایتی حتی خطی از او سر نزد تا مستلزم مسئولیت عاقله باشد. در شرایط توجه مسئولیت به رامی گفته شده؛ اگر رامی هشدار بهنگام ندهد و یا شرایط هشدار را رعایت نکند چنانچه قصد جنایت داشته باشد ضمان متوجه خود اوست؛ ولی اگر قصد نداشته باشد در این صورت عمل رامی خطی محسب است که عاقله او ضامن است (شهید ثانی، ۱۵/۱۴۱۳: ۳۵۲). «بناء على إرادته قبول عذر المحدّر على وجه لا يترتب على فعله ضمان، لا عليه ولا على عاقلته» (نجفی، ۴۳/۱۴۰۴: ۶۸)؛ یعنی در واقع معذربت رامی باعث تسری عدم مسئولیت وی به عاقله نیز می‌شود به سخن دیگر؛ وقتی که عذر هشداردهنده پذیرفته شود در این صورت موجبی برای مسئول دانستن وی یا عاقله نیست.

به هر حال در ضمان رامی اگر رامی قصد عمل عمدی داشته باشد، مجازات قصاص متوجه اوست و اگر عمل وی شبہ‌عمدی باشد جبران خسارت از مال خودش می‌باشد؛ اما اگر عمل رامی عمدی و شبہ‌عمدی نباشد خطای محض است و دیه آن با عاقله است. بدیهی است که در عمل عمدی قاعدة هشدار هیچ کاربردی ندارد و دلیل آن را در شرایط قاعدة هشدار بیان کردیم. گفته شده؛ اگر رامی از میان تیراندازان به قصد قتل به شخصی تیراندازی و بر اثر اصابت تیر کشته شود قتل عمدی است (فاضل هندی، ۱۱/۱۴۱۶: ۲۵۲). لذا اگر هدف تیرانداز، مجذبی علیه باشد و تیر به او

اصابت کند قتل عمدی است حتی اگر هشدار داده و مجنبی علیه شنیده و امکان فرار برایش وجود داشته باشد. در عمل شبہ عمدی و خطای محض قاعدة هشدار کاربرد دارد. اگر قاعدة هشدار با تمام شرایط انجام شود و مخاطب هشدار علی رغم تمکن از حفظ خودش از خطر اجتناب نکند در این صورت در شبہ عمدی، عامل زیان و در خطای محض، عاقله از مسئولیت میرا خواهند بود. لذا گفته شده اگر تیرانداز شفاهی یا کتبی یا عمالاً هشدار دهد و عابر متوجه باشد و امکان پرهیز از خطر برایش فراهم باشد، کسی مسئول جان او یا ضرر وارد نیست (سبزواری، ۱۴۱۳/۲۹: ۱۱۷).

بنابراین در موقعی که تیرانداز با هشدار بموضع، اجتناب از خطر را به مخاطب گوشزد نماید در این صورت نه تنها ضامن نیست بلکه عاقله وی نیز ضامن نیست (فاضل هندی، ۱۴۱۶/۱۱: ۲۵۲). ولی اگر بموضع هشدار ندهد و یا در هشدار دادن شرایط لازم را رعایت نکند و یا هشدار به سمع و اطلاع مخاطب هشدار نرسد به علت عدم تحقق هشدار، با باقی بودن خطای عامل زیان، عاقله ضامن خواهد بود و در این صورت عمل زیان آور مستند به عامل زیان است (کاشانی، ۱۴۰۸: ۷۱). به نظر می‌رسد علت آن باشد که با جری قاعدة هشدار در واقع رابطه انتساب بین فعل عامل زیان و زیان وارد قطع می‌شود و فعل عامل زیان منصرف از خطای محض تلقی می‌شود (تبریزی، ۱۴۲۸: ۶۹). در عبارات فقهی می‌توان این نتیجه را ملاحظه کرد که با وجود قاعدة هشدار نه تنها ضامن از هشداردهنده رفع می‌شود بلکه از عاقله وی نیز رفع می‌شود. به بیان دیگر، عذر هشداردهنده به گونه‌ای پذیرفته شده که هیچ‌گونه مسئولیتی بر عمل او مترب نباشد؛ نه خود او ضامن پرداخت دیه شود و نه عاقله او (محقق داماد، ۱۴۰۶/۲: ۲۴۲). «و من جنبی علی أحد بعد أن قال: حذار، لم يضمن عاقلته جنایته» (حائزی، ۱۴۱۸/۱۶: ۲۷۷).

۵-۲. بیت‌المال

بیت‌المال در لسان فقهاء معمولاً به مصالح مسلمین تعبیر می‌شود. (فخرالمحققین، ۱۳۸۷/۴: ۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۴۷؛ اردبیلی، ۱۴۰۳/۸: ۳۴۷؛ نجفی، ۹۴: ۱۴۰۴؛ تبریزی، ۱۴۲۸: ۵۲؛ ۱۴۰۶/۲: ۳۶۲). در منابع فقهی، بیت‌المال یا امام مسلمین در موارد متعددی به جای عامل زیان، عهده‌دار پرداخت خسارت تلقی شده و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۱۳، ۱۵۶، ۳۳۳، ۴۲۸، ۴۲۵، ۴۲۳، ۴۷۴، ۴۷۳، ۴۷۷، ۴۷۵، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷ به پرداخت دیه از بیت‌المال اشاره شده است. از اینکه چرا بیت‌المال باید دیه و ضرر و زیان را جبران کند، مبانی مختلفی مورد استناد قرار گرفته از جمله «لایطل دم امرء مسلم» و قاعدة «حرمة مال مسلم كحرمة دمه» و قاعدة «من له الغنم فعليه الغرم» و ... اما آنچه موضوع بحث است ناظر به قلمرو پرداخت خسارت از ناحیه بیت‌المال می‌باشد با این بیان که در موقعی که بیت‌المال به تبع مسئول اصلی، مسئول تلقی می‌شود؛ با اعمال قاعدة هشدار و رفع مسئولیت عامل زیان، آیا مسئولیت بیت‌المال نیز مرتفع است یا خیر؟

فقها در بحث ضمان رامی، با وجود شرایط قانونی هشدار، عامل زیان و عاقله و بیت‌المال را از مسئولیت مبرا دانسته‌اند. همان تعلیلی که در رفع ضمان از عاقله بیان شد در اینجا نیز جاری می‌شود. در ماده ۴۷۵ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «در جنایت خطای محضر در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتكب است اگر به علت هرگز یا فرار، دسترسی به او ممکن نباشد دیه جنایت از اموال او پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتكب مالی نداشته باشد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود». از مفهوم قید «مرتكب» می‌توان استنباط نمود که در حادثه موضوع قاعده هشدار، عامل زیان به علت قطع رابطه استناد اساساً مرتكب فعل زیان‌بار محسوب نمی‌شود که با فرار و یا عدم دسترسی به اموال و یا عدم کفایت مال وی، دیه از بیت‌المال پرداخت گردد؛ به دیگر سخن، در این فرض، پرداخت دیه بر عهده خود مرتكب است و شامل فرضی که مرتكب به علت اعمال قاعده هشدار هیچ مسئولیتی ندارد، نمی‌شود.

در برخی قوانین خاص مانند ماده ۱۳ قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین که علی‌رغم رفع مسئولیت از عامل زیان، مسئولیت بیت‌المال منتفی دانسته نشده است؛ منصرف از قاعده هشدار است. همچنین در ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی که دیه فوت یا صدمه بدنی حاصل از انجام وظایف قانونی مأمورین را به عهده بیت‌المال دانسته، ماده مذکور منصرف از قاعده هشدار است چراکه اگر مأموری در اجرای وظایف قانونی، هشدار لازم را بدهد و زیان دیده بدون توجه به هشدار به محل خطر باید و متحمل صدمه شود در این صورت بیت‌المال مسئولیتی در پرداخت دیه ندارد و نظر قانون‌گذار منصرف از تقصیر زیان دیده است. بنابراین قانون‌گذار در مقام بیان یک اصل کلی است که بر اساس آن، جبران خسارت از ناحیه بیت‌المال را منوط به عدم عدم و تقصیر دانسته است یعنی اگر عامل زیان در ایجاد خسارت عمد داشته یا تقصیر نموده باشد در این صورت زیان باید توسط خودش جبران شود؛ و بیت‌المال متکفل پرداخت خسارت عمدی و تقصیر دیگران نیست.

۳-۵. بیمه

بیمه نوعی تعهد و پیمان میان اشخاص حقیقی یا حقوقی است که به موجب آن یک طرف متعهد می‌گردد در ازای پرداخت مبلغی از سوی طرف دیگر، در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت واردہ بر او یا بخشی از آن را جبران نماید. در بیمه مسئولیت مدنی، مسئولیت مدنی ناشی از حوادثی موضوع بیمه قرار می‌گیرد که می‌تواند در اثر عمل یا رفتار شخص یا اشخاص وابسته و یا ناشی از اشیا و اموال تحت مالکیت یا تصرف او ایجاد شود.

طبق ماده ۱۴ قانون بیمه، بیمه‌گر مسئول خسارات ناشی از تقصیر بیمه‌گذار یا نمایندگان او نخواهد بود. تقصیر طبق ماده ۹۵۳ قانون مدنی، اعم از تغیریت و تعدی است و در امور کیفری تقصیر

اعم از عمد و غیرعمد و شامل بیاحتیاطی و بیمبالاتی و رعایت نکردن مقررات و نداشتن مهارت میباشد. اگر به ظاهر ماده مذکور اکتفا شود در تمام حوادثی که به نوعی تقصیر بیمهگذار در آن مدخلیت دارد بیمهگر هیچگاه مسئول قرار نمیگیرد و پذیرش ظاهر ماده ۱۴ موجب میشود تا بخش عمدی از قراردادهای بیمه مسئولیت، بیاشر شود، لذا منظور از تقصیر در ماده ۱۴ همان عمد بیمهگذار است بلکه میتوان گفت؛ منظور از تقصیر در این ماده، خطایی است که قابل پیشبینی بوده و بیمهگذار عادتاً میتوانسته مانع از انجام یا عدم انجام آن بشود و شامل شخص ثالث زیان دیده نیز میشود؛ یعنی اگر شخص ثالث زیان دیده در حادثهای که منجر به ایراد خسارت جانی یا مالی شده، عمد داشته باشد، مطابق قاعدة اقدام خسارت وی جبرانشدنی نخواهد بود. البته قانونگذار درخصوص عمد بیمهگذار استثنایی هم قائل شده که در ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۹۵/۲/۲۰ به آن اشاره نموده است. مطابق ماده مذکور، در فرض عمد بیمهگذار خسارت شخص ثالث زیان دیده را قابل جبران دانسته است. درخصوص قاعدة هشدار همان طوری که پیشتر بیان شد اساساً قاعدة هشدار در مواردی که عمد و قصد در میان باشد کاربرد ندارد و صرفاً در موضوعات غیرعمدی مؤثر در رفع مسئولیت عامل زیان است. مع الوصف عامل زیان با هشداردهی بموضع و واجد شرایط از مسئولیت مبراست و زیان دیده (اعم از مخاطب هشدار و یا اشخاص ثالث) نمیتوانند جهت تدارک زیان به هشداردهنده مراجعه نمایند اما در اینکه ملازمه بین عدم مسئولیت هشداردهنده و بیمه (مسئول تبعی) وجود دارد یا خیر، محل بحث میباشد.

در قوانین بیمه، رفع مسئولیت از عامل زیان مانع جهت مراجعه به بیمه و جبران خسارت طبق تعهدات بیمهای نیست. مؤید آن، ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی است که عدم مسئولیت راننده در تصادف با عابر (مخاطب هشدار علائم رانندگی منصوبه در گذرگاه و مسیر ویژه) را مانع استفاده مصدوم از مزایای بیمه ندانسته است. در ماده یادشده هشدار قانونگذار از موارد رفع مسئولیت به حساب آمده است. در برخی مواقع هشدار قانونگذار تنها مخاطب را از طرح دعوی کیفری منع میکند ولی امکان دارد از باب مسئولیت مدنی و بیمه قادر به طرح دعوی مسئولیت مدنی باشد. همچنین تبصره ۲ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حادث ناشی از وسیله نقلیه مصوب ۹۵/۲/۲۰ بیمهگر را ملزم به جبران خسارت‌های وارد به اشخاص ثالث تا حد مذکور در بیمه‌نامه دانسته است و با ملاحظه جدول مصاديق و عنوانين تخلفات رانندگی حادثه‌ساز مصوب ۸۷/۱۰/۲۹ به مواردی از علائم هشداردهنده اشاره شده است. لذا درخصوص بیمه علی‌رغم رفع مسئولیت از عامل زیان تعهد بیمه در جبران خسارت میتواند به قوت خودش باقی

باشد. مضافاً اینکه راجع به حوادث رانندگی، قانون‌گذار با پیش‌بینی صندوقی مستقل تحت عنوان «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» در موقعی که بنا به علی مدرج در ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری مارالذکر مانند فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، خسارات قابل پرداخت توسط بیمه‌گر نباشد و یا خارج از سقف تعهد بیمه‌گر باشد، قابل تدارک زیان توسط صندوق مذکور می‌باشد که در واقع نگاه قانون‌گذار در جهت حمایت از زیان‌دیدگان این‌گونه حوادث بوده است. علی‌هذا در موقعی که هشداردهنده به موقع و با جمع شرایط اقدام به هشداردهی نماید و به علت عدم توجه مخاطب هشدار از حادثه رخ دهد از هشداردهنده رفع مسئولیت می‌شود و لکن زیان‌دیده (چه شخص مخاطب هشدار یا اشخاص ثالث) می‌تواند در محدوده تعهدات بیمه‌ای برای جبران خسارت به بیمه‌گر مراجعه نمایند. البته طبق ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری فوق‌الذکر، بیمه‌گر در مواردی خاص می‌تواند پس از پرداخت خسارت زیان‌دیده به قائم مقامی وی از طریق مراجع قانونی برای بازیافت تمام یا بخشی از وجوده پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه نماید.

نتیجه

۱. شرایط لازم برای هشدار رافع مسئولیت عبارتند از «تناسب هشدار با خطر»، «عمدى نبودن عمل زیان‌بار»، «تقدم هشدار بر ضرر»، «امکان درک خطر» و نیز «امکان ترک خطر» که هشدار قانونی با فقدان حتی یکی از این شرایط، محقق نمی‌شود.
۲. موقعی که به علت عدم جمع شرایط، هشدار مصطلح صورت نگیرد، استناد به قاعدة هشدار برای اثبات مسئولیت عامل زیان کارا نمی‌باشد؛ چراکه با عدم رعایت شرایط هشدار در واقع هشدار قانونی، محقق نشده است و در نتیجه دفاع با استناد به قاعدة هشدار مردود است.
۳. قاعدة هشدار با جمع شرایط، رافع مسئولیت عامل زیان است و به عنوان یکی از مُسقّطات ضمان محسوب شده و می‌تواند یک دفاع کامل برای خوانده (مسئول اصلی) تلقی شود و زیان‌دیده (مخاطب هشدار) نه تنها نمی‌تواند جهت جبران خسارات وارد به خود به عامل زیان مراجعه نماید، بلکه مسئول تدارک زیان وارد به دیگران نیز می‌باشد.
۴. قاعدة هشدار همان طوری که عامل زیان را از مسئولیت مدنی (جبران خسارت) معاف می‌نماید، باعث رفع مسئولیت نسبت به اشخاصی می‌شود که به‌تبع مسئول اصلی (مانند عاقله، بیت‌المال، بیمه)، مسئول تلقی می‌شوند. البته درخصوص بیمه با توجه به قوانین خاص، مانعی جهت مراجعة زیان‌دیده به بیمه برای تدارک زیان طبق تعهدات بیمه نمی‌باشد (قسمت اخیر ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی).

منابع

فارسی

- جامپیون جونیوز، والتر. تی (۱۳۸۸)، مسئولیت مدنی در ورزش، مترجم؛ آقائی نیا، حسین، تهران: انتشارات دادگستر.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۴)، ترمینولوژی حقوق، چاپ هفتم، تهران: کتابخانه گنج دانش دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- صباح مشهدی، حمید (۱۳۸۵)، «بررسی و تبیین قاعده تحلیل (هشدار)»، مجله دادرسی، شماره ۶۰.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱)، قواعد فقه بخش حقوق خصوصی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- فیض، علیرضا (۱۳۶۸)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۶)، «ضمان عاقله»، فصلنامه حق-مطالعات حقوقی و قضایی، شماره ۱۱ و ۱۲.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۱)، «بیمه متقابل در پیشینه اسلامی- ضمان عاقله و جریمه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ ق)، قواعد فقه، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مقدادی، محمد مهدی (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی ورزشکاران، چاپ اول، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- مقدادی، محمد مهدی، «تأثیر هشدار در اتفاقی مسئولیت مدنی پزشکان»، فصلنامه فقه پزشکی، زمستان ۱۳۹۰ و بهار ۱۳۹۱، شماره ۹ و ۱۰.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۷)، قواعد فقهیه، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

عربی

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، من لا يحضره الفقيه، چاپ دوم، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن براج، قاضی، عبد العزیز (۱۴۰۶ ق)، المهدب، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن فارس بن ذکریا (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاييس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدين (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ۱۴ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، بیروت: دار الكتب الإسلامية.
- بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶)، جامع أحاديث الشيعة، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۸ ق)، تنقیح مبانی الاحکام- کتاب الديات، قم: دار الصدیقه الشهیده (س).
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت: دار العلم للملائين.

- حائزی، سید علی بن محمد طباطبائی (١٤١٨ق)، **ریاض المسائل**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حزّ عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩ق)، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی شیرازی، سید محمد (١٤٠٧ق)، **الفقہ**، بیروت: چاپ دارالعلوم.
- حلبی، ابوالصلاح، تھی الدین (١٤٠٣ق)، **الکافی فی الفقہ**، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام.
- زبیدی (١٤١٤ق)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر والتوزیع.
- سبزواری، سید عبد الأعلی (١٤١٣ق)، **مهذب الأحكام**، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیة الله.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (١٤٠٦ق)، **خصائص الأنمة علیهم السلام** (خصوصیات امیر المؤمنین علیه السلام)، آستان قدس رضوی چاپ اول.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (١٤١٠ق)، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی)** - کلاتر، تهران: کتابفروشی داوری.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (١٤١٣ق)، **مسالک الأفہام إلی تنقیح شرایع الإسلام**، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- طریحی، فخر الدین (١٤١٦ق)، **مجمع البحرين**، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن الحسن (١٤٠٧ق)، **تهذیب الأحكام**، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مظہر (١٤٢٠ق)، **تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحدیثة)**، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- علامه حلی، مقداد بن عبد الله سیوری (١٤٠٣ق)، **نضد القواعد الفقهیة علی مذهب الإمامیة**، در یک جلد، قم: انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (١٤١٦ق)، **کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف حلی (١٣٨٧ق)، **إيضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- فیض کاشانی، محمد محسن (١٤٠٦ق)، **الواfi**، قم: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- کاشانی، حاج رضا مدنی (١٤٠٨ق)، **کتاب الدیات**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کاشف الغطاء، احمد بن علی (١٤٢٣ق)، **سفینة النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات**، نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ق)، **الکافی**، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- مجلسی، محمد باقر (١٤٠٦ق)، **ملاذ الأئمّة فی فهم تهذیب الأخبار**، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- محقق حلی، نجم الدین (١٤٠٨ق)، **شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، قم: مؤسسه اسماعیلیان، قم.

اثر هشدار در رفع ضمان از مسئولین تبعی (عربیان و اکبری)

۱۷

- میرفتح، ابن علی مراغه‌ای (۱۴۱۷ ق)، *العناوین الفقهیة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق)، *جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربي.